

## یاران امامان



# محمد بن ابی عمیر

سید محمد جواد مہری

محمد بن ابی عمیر، یکی از تابناکترین چهره‌های یاران امامان است که از بیچ و خمهای گردنه‌های دشوار بالا رفت و به قلّه عظمت و اوج افتخار رسید.

محمد بن ابی عمیر ازدی، شخصیتی است والا که در علم و عمل، تقوی و پارسائی، خدمت و عبادت والا ترین مقام و ارزنده ترین مکانت را در میان یاران اصحاب و نزد متفکران و دانشمندان، دارا است.

ابو احمد، محمد بن ابی عمیر ازدی بغدادی، کسی است که از ترس خدا، یکدم از عبادت و سجود در برابر ذات اقدس پروردگارش باز نایستاد و جویبار وجودش از منبع بی پایان سه امام معصوم [امام کاظم، امام رضا و امام جواد علیهم السلام] سرچشمه گرفته است و در برابر شکنجه‌ها و اذیت و آزار دشمنان امامان، تا دم مرگ رفته و هرگز تسلیم خواسته‌هاشان نشده است.

ابن ابی عمیر، وارسته مردی که به خاندان وحی راه یافت و در این راستا، به دانشی سرشار و ایمانی والا رسید و در مجتهد و عظمت از کرانه‌های آفاق فراتر رفت تا آنجا که هر چه فقیه و حدیثدان پس از او آمد، از او به بزرگی و فرزادگی یاد کرد و تا قیام قیامت، کتاب حدیثی را نمی‌توان یافت که صفحات زربش به این نام مقدس، مزین نشده باشد.

### محمد بن ابی عمیر کیست؟

نجاشی درباره اش گوید: محمد بن ابی عمیر (زیاد بن عیسی) ابو احمد ازدی از موالی مهذب بن ابی صفیره، بغدادی الاصل، خدمت امام ابوالحسن موسی بن جعفر سلام الله علیه رسید و از آن حضرت احادیثی شنید که در برخی از آن احادیث، حضرت او را خطاب به ابو احمد کرد. و از امام رضا علیه السلام نیز احادیثی روایت کرده است. او مردی جلیل القدر، و الامقام و بلند پایه است چه نزد ما و چه نزد مخالفین ما. جاحظ در کتابهایش او را ستوده است.

ترس حکومت، کتابهایش را مخفیانه به زیر خاک دفن نمود، و چون مدت زندان چهار سال بطول انجامید، کتابها نابود شدند و از بین رفتند. و گفته اند که کتابها را در اطاقی پنهان کرد و باران بر آنها بارید و پوسیده شدند. و او هر چه روایت می کرد از حافظه اش بود و از هر چه قبلاً به دیگران آموخته بود و از این رو اصحاب ما به مراسیل او اطمینان دارند. و او کتابهای زیادی تصنیف و تألیف نموده است.

احمد بن محمد بن خالد گوید: محمد بن ابی عمیر چهل و نه کتاب نوشته است، از جمله کتاب «مغازی» است.

احمد بن هارون نقل کرده است که کتابهای «بدهاء»، «احتجاج در امامت»، «حج» و «فضائل الحج» از تألیفات ایشان است.

کتابهای دیگری نیز برای آن بزرگوار نقل کرده اند از جمله: «الاستطاعة»، «الملاحم»، «یوم و لیله»، «الصلاة»، «مناسک الحج»، «الصیام»، «اختلاف الحدیث»، «المعارف»، «الشوحنید»، «النکاح»، «الطلاق» و «الرضاع».

محمد بن ابی عمیر در سال ۲۱۷ از دنیا رفته است.

شیخ طوسی درباره اش گوید: محمد بن ابی عمیر، کنیه اش ابو احمد و نامش زیاد و از موالی قبیله «ازد» است، او از موقق ترین مردم نزد خاصه و عاقله است، و از همه زاهدتر، پارساتر، عابدتر و پرهیزگارتر بوده است. و گفته شده است که او در تمام این امور، گوی سبقت را از دیگران، در دوران خویش، ربوده است. وی سه امام را درک کرده: ابو ابراهیم موسی علیه السلام، و از او روایت نمی کند! و امام رضا علیه السلام و امام جواد علیه السلام. احمد بن محمد بن عیسی از او

جاحظ «در بیان و تبیین» درباره او می گوید: ابراهیم بن داود درباره ابن ابی عمیر برای من سخن گفت و همانا ابن ابی عمیر از شخصیت‌های برجسته رافضیان است. وی در ایام حکومت هارون الرشید به زندان افکنده شد، برای اینکه مراکز شیعیان و اصحاب موسی بن جعفر را معرفی کند. آنگاه نجاشی می فرماید: و نقل کرده اند که اینقدر به او چوب زدند که نزدیک بود، از شدت درد، اقرار کند تا اینکه فریاد محمد بن یونس بن عبدالرحمن را شنید که به او می گفت: ای محمد بن ابی عمیر تقوای الهی داشته باش. او هم صبر کرد و خدا او را از زندان آزاد نمود. و نقل شده است که مأمون نیز او را زندانی ساخت. و گفته اند که خواهرش از



روایت کرده است. او زندگانی ۱۰۰ نفر از رجال اصحاب امام صادق علیه السلام را نگاشته است و دارای تألیفات بسیاری است. این بطنه برای او ۴۹ کتاب ذکر کرده از جمله: کتاب النوادر (که کتباب بزرگ و جالبی است)، کتاب الاستطاعة و الافعال، کتاب الامامة، کتاب البداء، کتاب النعمة و کتابی که در آن سئوالهایی را از امام رضا علیه السلام نموده و پاسخ دریافت کرده است.

### زندان و شکنجه

در باره شکنجه و زندانی شدن این رادمرد، روایتها نقل شده از جمله فضل بن شاذان گوید: معايت کنندگان به سلطان وقت (که گویا هارون باشد) خبر دادند که محمد بن ابی عمیر اسامی تمام شیعیان را در عراق می داند. سلطان او را خواست و به او دستور داد که آن اسامی را بازگو نماید. محمد بن ابی عمیر امتناع ورزیده، لب به سخن نگوید. سلطان به جلادان خویش دستور داد او را برهنه کرده و میان دو قطعه چوب آویزان کنند و صد تازیانه به او بزنند. فضل می گوید: شنیدم این ابی عمیر را که می گفت: هنگامی که صدمین تازیانه را بر بدنم فرود آوردند، بقدری درد داشت که نزدیک بود، نام یاران را افشا کنم؛ در آن هنگام فریادمحمد بن یونس بن عبدالرحمن را شنیدم فریاد برآورد: ای محمد بن ابی عمیر! یاد آر ایستادنت را در برابر خدای تعالی. و این سخن روحیه مرا چنان تقویت کرد که صبر کردم و هیچ نامی را بر زبان جاری نساختم و خدای را سپاس و شکر می گویم که چنین توفیقی بمن داد.

فضل می گوید: این ابی عمیر برای رهائی خود از زندان، بیش از صد هزار درهم صرف کرد تا آزاد شد. این مسرد بزرگ پس از آزادی از زندان،

وضع زندگیش رو به وخامت گذاشت، با اینکه پیش از آن دارای پول و ثروت بسیاری بود و با این حال نه تنها صبر و بردباری را پیشه خود ساخت که ایشار نیز می نمود. محدث قمی در سفینة البحار نقل کرده است که: این ابی عمیر پارچه فروش بود. او ده هزار درهم از شخصی طلب داشت. در اثر محنتهای دوران، اموالش را از دست داد و فقیر شد. آن مرد که بدهکارش بود، چون وضعیّت بسیار آشفته این ابی عمیر را دید، ناراحت شد، منزلش را به ده هزار درهم فروخت و پولها را با خود برداشته، به سوی منزل وی روانه شد. در راه، این ابی عمیر در بر او گشود. آن مرد گفت: ای ابی عمیر! این پولی است که از من طلب داشتی، آن را بردار. این ابی عمیر فرمود: پول را از کجا آوردی؟ آیا ارت به تو رسیده است؟ گفت: نه! گفت: پس کسی به تو هدیه داده است؟ گفت: نه! ولی من خانه ام را فروختم تا دینم را ادا نمایم.

محمد بن ابی عمیر گفت: ذریح محاربی از امام صادق علیه السلام بر اینم نقل کرد که حضرت فرمود: «اتساک را از منزل مسکونی خودش برای خاطر فرضی بیرون نمی کنند». پولت را بردار و بسیر، به خدا قسم آن را برنمی دارم گرچه امروز به یک درهم نیازمندم. برو که من هرگز یک درهم از چنین پولی را به اموالم اضافه نمی نمایم. و اما در باره عبادت و پرهیزکاری و راز و نیازش شایسته اش باز هم از فضل بن شاذان «ره» نقل شده است که گفت:

به عراق مسافرت کردم، در آنجا شخصی را دیدم که دوستش را سرزنش می کرد و می گفت: تو را عائله و فرزندان است که می بایست کسب و کاری داشته باشی تا هزینه زندگیت را تأمین نمائی و من نمی توانم

بیرتو تضمین کنم که چشمت در اثر سجده های طولانی، سالم بماند و آسیب نبیند! و پس از اینکه زیاد او را ملامت کرد، او در پاسخ گفت: چه خبر است؟ چه می گوئی؟ اگر بنا بود چشم کسی در اثر سجده های طولانی از بین برود، می بایست چشم این ابی عمیر از بین رفته باشد. نظر تو چیست درباره شخصی که پس از نماز فجر (نماز صبح) سر سجده شکر می گذارد و تا برآمدن آفتاب سرا از سجده بر نمی دارد؟

عبادت و مناجاتهای شبانه و طول سجود این ابی عمیر زبانزد خاص و عام بود، تا جایی که دیگران را به او تشبیه می کردند. فضل بن شاذان می گوید: روزی پدرم دست مرا گرفت و نزد این ابی عمیر برد. او در اطاقی نشسته بود و بزرگان و علما کنارش را گرفته و او را بسیار احترام و تقدیر می کردند. به پدرم گفتم: این کیست که دانشمندان در برابرش سر تعظیم فرود آورده اند؟ گفت: این ابی عمیر است. گفتم: همان مرد شایسته عابد پرهیزکار که همه نامش را شنیده اند؟ گفت: آری!

و همچنین او نقل کرده است که در اثر تشیع این مرد بزرگ، هارون لعنة الله علیه به سندی بن شاهک دستور داد که او را صد تازیانه بزند، آنگاه او را به زندان انداخت و او ۱۲۱ هزار درهم پرداخت نمود تا توانست آزاد گردد.

شیخ مفید در اختصاص نقل کرده است که: «آن بزرگوار مدت ۱۷ سال در زندانها و سیاه چالها بسر برد» و با این حال هرگز در روحیه بزرگش تأثیر ننموده و تا زنده بود و رمقی داشت، از خدمت به مکتب و پیروان مکتب باز نایستاد تا اینکه در سال ۲۱۷ قمری به سوی بهشت برین شافت. درود بی پایان بر او باد.

بقیه در صفحه ۴۳



## بقیه از ضرورت تدوین ...

مدیریت کشور.

۶- سازماندهی نظام دفاع کشور از حیث تشکیلات، نفرات، آموزش، فرماندهی، سلاح، تجهیزات و غیره بر اساس ساخت جغرافیائی آن و نیز با در نظر گرفتن ساخت جغرافیائی و سیاسی و نظامی کشورهای همسایه.

۷- توجه جدی به علم و تکنولوژی و تقویت بنیه علمی کشور در افق نوین، چرا که الحاق موجود نگرش به مسئله توسعه علم و تکنولوژی در کشور نه تنها راهگشا

نیست بلکه عمدتاً عامل عقب افتادگی علمی و تکنولوژیکی کشور نیز می باشد.

۸- شناسائی نیزهوشان، مبتکران، مخترعان، و نوابغ کشور و سازماندهی انقلابی این نیروها توسط دولت و تأمین زمینه های فعالیت نامحدود و بدور از نظام مالی و بودجه ای و اداری بوروکراتیک حاکم بر کشور بمنظور بهره جویی از تراوشات فکری آنان.

۹- سازماندهی و بسج و آموزش نظامی همگانی از دوران نوجوانی و جوانی برای نسل آینده بصورت واقعی.

۱۰- تهیه طرحهای دفاع محلی با بهره جویی از توان مردمی، برای حواشی مرزهای کشور.

۱۱- تهیه طرحها و تمهیدات امنیتی و حفاظتی و

جابجائی برای نگهداری و تداوم بهره برداری از تأسیسات و منابع اقتصادی موجود کشور.

۱۲- رعایت جنبه های امنیتی در مکان گزینی مناسب واحدهای نظامی و تسلیحاتی و اقتصادی، و تأسیسات حیاتی کشور بر پایه مطالعات جغرافیائی.

۱۳- تأمین اسباب و مستیبات توانبخشی فزاینده قدرت دفاعی کشور.

۱۴- ایجاد رشته تخصصی جغرافیای نظامی در کشور بمنظور تربیت نیروهای توانا و قوی برای امور برنامه ریزی و طراحی و هدایت صحیح عملیات خرد و کلان جنگی و دفاعی.

ادامه دارد

## بقیه از ویژگیهای تربیت اسلامی

بیشتر روش پیشگیری را مورد استفاده قرار می دهد. اسلام مقررات وسیعی در سطح فردی، خانوادگی و اجتماعی وضع کرده است که زمینه رشد بی رویه استعدادهای پست را از بین می برد مثلاً برای پیشگیری از بی عفتی و آلودگی دامن، گذشته از تقویت زمینه های شکوفائی ضد آن یعنی عفت و پاکدامنی بوسیله ایمان، بیان دستاوردهای متعالی و ارزشمند عفت، چشم پوشی از نگاه حرام، ترغیب شدید به ازدواج و... به منظور پیشگیری از بی عفتی، از بی حجابی، آرایش و خودنمایی زنان و حتی هدای پا و شیوه و آهنگ سخن گفتنی که تحریک آمیز باشد و آمیزش بین زن و مرد نامحرم و اصولاً هرگونه چیزی که موجب ریبه و مفسده انگیز باشد نهی فرموده و ایجاد هرگونه مراکز و مظاهر فحشاء و منکر را در جامعه اسلامی منع نموده است و... حالا بعد از همه اینها اگر باز هم کسی پرده عفاف خود و جامعه را درید و حداقل چهار مرد شاهد این سرکشی بوده باشند نوبت تازیانه یا رجم فرامی رسد.

ضمناً معلوم گردید که استفاده از زور معمولاً در مواردی است که این عطفیان از محدوده شخصی گناهکار تجاوز کند و دامن جامعه را نیز بگیرد و امنیت جانی، معنوی، اخلاقی، اقتصادی و... دیگران را مورد تجاوز قرار دهد. پس استثنائی که کز می و زشتی باطن و گناهان شخصی خویش را از دید دیگران مخفی مبادازد از تهرس

اعمال خشونت مصون است ولی آنگاه که زشتیهای درونی خویش را به کرسی کارهای زشت بشاند و با تجری و پزده دبی در گناهان شخصی یا ارتکاب گناهانی که ذاتاً متعدی است و طرف مقابل دارد، حرمت قانون الهی و جامعه را بشکند و بدینوسیله راه گناه و فساد و تباهی را در جامعه بگشاید. دیگر راهی جز تازیانه و شمشیر باقی نمی ماند و اینجا است که حدود الهی باید این تجاوز و گستاخی نامعقول را محدود نماید.

ثانیاً: در همین مواردی هم که اسلام از در خشونت وارد می شود هدف، انتقامجویی و تشفی نیست، هدف مبارزه با گناه است نه گناهکار و هدف نجات انسان است از اسارت گناه تا زمینه برای آزادی عقل او فراهم شود و سلامت خویش را باز یابد پس همانگونه که رحمت خدا بر غضبش پیشی دارد: «بِأَمْرِ رَبِّكَ رَحْمَةً رَحْمَةً» غضبش نیز عذب است و گوارا و از دوست هر چه می رسد نیکوست و بر این اساس حتی آنکس که در اثر گناه بزرگ خویش اعدام و سنگسار می شود، هم از سنگینی و سنگین تر شدن بار گناهش کاسته و جلوگیری می شود و هم موجب عبرت دیگران گردیده و از سرایت فساد و تباهی او به جامعه - که دارای حق بزرگتری است و باید سلامت آن محفوظ بماند - پیشگیری و جلوگیری می شود. و بدیهی است که اگر عضوی از بدن چنان فاسد شود که قابل درمان نباشد و سلامت کل بدن را در معرض تهدید قرار دهد جز عمل جراحی و برداشتن آن عضو چاره ای نمی ماند.

ادامه دارد

## بقیه از محمد بن ابی عمیر

۱- مراسیل جمع مرسله مرواتی است که سند آنها ذکر نشده یعنی نام روایت کنندگان آن بصراحت نیامده است. و چون ابن ابی عمیر اصل احادیث را از حفظ می دانست ولی در بسیاری از موارد نام راوی را فراموش کرده بود و کتب او از بین رفته بود، علما روایت مرسله و بی سند او را نیز می پذیرفتند و این بدلیل اعتماد آنها بر این امر است که او هرگز از شخص غیر موقفی روایت نمی کند.

۲- در اینجا نکته ای لازم به تذکر است که گرچه مرحوم شیخ فرموده است که محمد بن ابی عمیر، امام کاظم «ع» را درک کرده ولی از او روایتی نقل ننموده است، اما ظاهراً این مطلب اشتباه باشد برای اینکه روایتهایی مستقیماً از وی نقل شده که خود از امام پرسیده و پاسخ گرفته یا اینکه بدون سؤال و پرسش، مطالب ارزنده ای را از حضرت روایت کرده است، و شاید شیخ به این روایتها دست نیافته باشد. در هر صورت در اختصاص شیخ مفید آمده است که: ابن ابی عمیر گفت: من در ستارگان من نگریستم و

آنها را می شناختم و گاهی از آینده نیز چیزی باخبر می شدم و لذا در دلم احساس ناراحتی می کردم. این مطلب را خدمت امام کاظم علیه السلام نقل کردم، حضرت فرمود: هرگاه چیزی در دلت پدید آمد (و وحشت کردی) برنخستن مسکینی که گذشتی، صدقه بده و به راه خود ادامه ده که خداوند آن بلا را از تو دفع می کند. همین روایت مرسله را شیخ صدوق نیز در «من لایحضره الفقیه» ج ۲- ص ۱۷۷ نقل کرده است. و در کتاب «معجم رجال الحدیث» نیز به استاد همین یک روایت آن سخن شیخ «ره» پاسخ گفته شده است.